

زیخرد

دوفصلنامه علمی تخصصی فلسفه اسلامی
سال دوم / شماره دوم / پیاپی ۳ / پاییز - زمستان ۱۳۹۵

تبیین اثبات وجود رابط از طریق قضایا^۱

هادی کاظمی^۲

چکیده

در استدلال بر وجود رابط، از مفاد قضیه شخصیه یعنی «ثبوت شیء لشیء» استفاده می‌شود. قضیه حملیه موجه به دو نوع هلیه بسیطه و هلیه مرکبه تقسیم می‌شود و در استدلال بر وجود رابط، از هلیه مرکبه استفاده می‌شود. قضیه هلیه مرکبه نیز به دو دسته تقسیم می‌شود و ما در این استدلال از آن دسته از هلیات مرکبه‌ای که در آنها وجود محمول در خارج غیر از وجود موضوع است، استفاده می‌کنیم. در این نوع از قضایا چیزی به نام «نسبت» وجود دارد. نسبت از سنخ معانی حرفیه، و رابط بین موضوع و محمول است. وجود داشتن نسبت در این نوع قضیه به اثبات نیاز ندارد، بلکه رجوع به وجدان و علم حضوری برای تصدیق آن کافی است. اما اینکه نسبت، یک مفهومی حرفی است، به استدلال نیاز دارد. اگر بگوییم نسبت یک مفهوم اسمی است، تسلسل و محال لازم می‌آید. پس نسبت یک مفهوم حرفی است. یک مرحله از استدلال را پشت سر نهادیم و آن اثبات وجود رابط در عالم ذهن و مفاهیم بود؛ اما مرحله نهایی و مقصود اصلی فیلسوف، اثبات وجود رابط در عالم خارج است. در این مرحله می‌گوییم که هلیات مرکبه خارجیه صادق، با تمام اجزا بر خارج منطبق‌اند؛ پس نسبت بین موضوع و محمول نیز بر خارج منطبق است و مصداقی خاص به خود دارد.

واژگان کلیدی

قضیه، وجود مستقل، وجود رابط، مطابق خارجی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۰۶.

۲. سطح سه فلسفه اسلامی / (Kazemihadi110@gmail.com).

مقدمه

اصطلاح وجود رابط تا قبل از زمان میرداماد وجود نداشت و به جای «رابط»، کلمه «رابطی» را به کار می‌بردند و می‌گفتند: وجود یا نفسی است و یا رابطی. اصطلاح «وجود رابطی» به نحو اشتراک لفظی در «رابط» و «رابطی» به کار می‌رفت و این سبب اشتباه می‌شد. میرداماد برای نخستین بار در کتاب *الافق المبین* این دو اصطلاح را از یکدیگر جدا کرد و اصطلاح وجود رابط را در یکی از این دو مورد، و اصطلاح وجود رابطی را در مورد دیگر به کار برد و بعد از او این تفکیک اصطلاح مورد قبول واقع شد. ملاصدرا این اصطلاح را از میرداماد گرفت و در معنای خاصی به کاربرد. براساس کاربرد ملاصدرا تمام وجودها، به استثنای ذات باری تعالی، وجود رابط و ربط محض‌اند. سیر اختلاف میرداماد و ملاصدرا این است که صدرا با اثبات اصالت و مجعولیت وجود، تمام حقیقت شیء ممکن را در ارتباط با مبدأ او می‌یابد و اما دیگران با مجعول دانستن ماهیت که ذاتاً به مبدأ مرتبط نیست یا مجعول دانستن اتصاف وجود به ماهیت، زمینه نظر استقلالی به معلول را نفی نمی‌کنند.

تقسیم وجود به رابط و نفسی آن چنان که در فلسفه مطرح است از باب تقسیم مفهوم و معنای کلمه به حرفی و مستقل نیست؛ بلکه به لحاظ حقیقت هستی است؛ خصوصاً بنا بر اصالت وجود؛ چون مفهوم وجود، تابع حقیقت آن است و بدین روی برای اثبات مستقل یا تابع بودن آن جز از طریق شناخت مصداق و منشأ انتزاع آن راهی وجود ندارد. مفهوم وجود، اگر از وجود مستقل گرفته شده و حاکی از آن باشد، دارای معنای اسمی است و اگر از وجود رابطی اخذ شده و حاکی از آن باشد، دارای معنای غیر مستقل خواهد بود. ما در این نوشتار درصدد اثبات وجود رابط در عالم خارج از ذهن هستیم و برآنیم که وجود رابط، مصداقی ذهنی و مفهومی دارد که از وجود خارجی آن حکایت می‌کند.

اقسام قضایا

در تقسیم‌بندی اولیه، قضایا به دو دسته حملیه و شرطیه تقسیم می‌شوند. قضیه حملیه، قضیه‌ای است که در آن به ثبوت محمول برای موضوع یا نفی محمول از موضوع، حکم می‌شود.^۱ قضیه شرطیه نیز قضیه‌ای است که در آن به وجود یا عدم نسبت میان دو قضیه، حکم می‌شود.^۲ قضایای حملیه و شرطیه، هر یک به موجه و سالبه تقسیم می‌شوند، و قضایای حملیه (چه موجه و چه سالبه) نیز به هلیه بسیطه و هلیه مرکبه تقسیم می‌شوند.

۱. محمدرضا مظفر، *المنطق*، ص ۱۵۴.

۲. همان، ص ۱۵۵.

تبيين اثبات وجود رابط از طريق قضایا ﴿۱۴۱﴾

مقصود از هلیه مرکبه، قضایایی است که مفادشان ثبوت شیء لشیء یا نفی شیء عن شیء است؛ مثل «انسان کاتب است».

هلیات مرکبه، خود بر دو دسته اند: دسته اول هلیات مرکبه‌ای هستند که در آنها وجود محمول در خارج عین وجود موضوع است؛ یعنی در خارج یک واقعیت هست که بعینه هم مصداق موضوع است و هم مصداق محمول. پس در خارج بیش از یک واقعیت متحقق نیست؛ ولی انسان این واقعیت را به دو مفهوم تحلیل می‌کند؛ مثل «انسان واحد است»؛ دسته دوم هلیات مرکبه‌ای هستند که در آنها وجود محمول در خارج غیر از وجود موضوع است؛ بنابراین هر یک از موضوع و محمول، وجود و واقعیتی خاص به خود دارند؛ مثل «جسم سفید است».

در این نوشتار در صدد اثبات وجود رابط در نوع اخیر هلیات مرکبه، آن هم از نوع موجه هستیم. مرحوم علامه طباطبایی در *نهایة الحکمه* این نوع قضایا را با نام «قضایای خارجیه‌ای که با موضوع و محمولشان بر خارج منطبق هستند» یاد می‌کنند.

پس از اینکه قضیه‌ای در ذهن انسان متحقق شد، ذهن قادر است موضوع و محمول و نسبت موجود در آن قضیه را اخذ، و حکم آن را حذف کند و بدین ترتیب یک تصور مرکب تقییدی بسازد. این تصور مرکب تقییدی نیز همان واقعیتی است که قضیه از آن حکایت می‌کرد؛ مثل «وحدت انسان».

در این بحث همان طور که به هلیات مرکبه موجه نظر داریم، مرکبات تقییدی اخذشده از این هلیات مرکبه نیز مورد توجه ما هستند.^۱

وجود رابط و نسبت حکمیّه

وجود رابط غیر از نسبت هوهویت و اتحادی بین قضایا و غیر از نسبت حکمیّه است. نسبت حکمیّه امری است که در قضایای مشکوک، از حکم ممتاز می‌شود. نسبت هوهویت که در همه قضایای بسیط و مرکب هست، با عنوان «نسبت اتحادیه» از آن یاد می‌شود.

هوهویت و نسبت حکمیّه و حتی حکم، اموری هستند که در موطن ذهن محقق می‌شوند و لیکن وجود رابط، حقیقتی خارجی است که بین موضوع و محمول، پیوند برقرار می‌کند و وجودی جدای از آنها ندارد. این وجود همان است که در مباحث مواد ثلاث (ضرورت، امکان و امتناع) موضوع بحث می‌باشد؛ زیرا مواد ثلاث از احکام و خصوصیات موضوع یا محمول قضایا نیستند؛ بلکه از خصوصیات همان رابطی هستند که در موضوع و محمول محقق است. در قسمت اخیر استاد جوادی اشکالی مطرح می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که مواد ثلاث کیفیت نسبت‌اند نه وجود رابط.^۲

۱. ر.ک: محمدتقی مصباح‌یزدی، *دروس نهایه*، ص ۲۶۵-۲۶۷.

۲. همان، ص ۵۲۱-۵۲۲.

پس همان طور که روشن شد، مواد ثلاث خصوصیات همان وجود رابط هستند. البته در جاهایی مثل قضایای هلیه مرکبه که نسبت حکمیه هست، نسبت حکمیه، جهت وجوب یا امکان و یا امتناع پیدا می‌کند و در جاهایی مثل قضایای هلیه بسیطه که وجود رابط نیست، خود محمول، جهت وجوب یا امکان یا امتناع پیدا می‌کند.^۱

در جواب استاد جوادی که می‌گویند: «در قضایای هل بسیط، وجود رابط نیست ولی یکی از مواد ثلاث هست؛ پس مواد ثلاث، کیفیت نسبت‌اند نه وجود رابط»، می‌شود گفت که در این نوع قضایا خود محمول، یکی از جهات را پیدا می‌کند.

ملاصدرا نیز معتقد است که وجود رابط غیر از نسبت حکمیه است: «وهو ما يقع رابطه فی الحملیات الايجابية وراء النسبة الحكمية التحدیة التي تكون فی جملة العقود».^۲

البته برخی نظر دیگری و می‌گویند که وجود رابط، همان نسبت حکمیه است.

وجود رابط در ظرف ذهن

در هلیات مرکبه موجبه که طرفین آنها در خارج واقعیت جدای از هم دارند و نیز در مرکبات تقییدی که از این قضایا اخذ می‌شوند، چیزی به نام «نسبت»، که از سنخ معانی حرفی است، وجود دارد و رابط بین موضوع و محمول در ظرف ذهن است.

این ادعا خود به دو ادعا منحل می‌شود:

۱. در قضایای فوق، علاوه بر مفهوم موضوع و مفهوم محمول، شیء دیگری به نام نسبت و ربط وجود دارد؛

۲. این نسبت و ربط، مفهوم حرفی است نه مفهوم اسمی.

برای اثبات رابط در هلیه مرکبه خارجیه رجوع به وجدان و علم حضوری کافی است. علامه در نهاییه این روش را پیش گرفته‌اند. ما زمانی که موضوع و محمول یک قضیه هلیه مرکبه را در نظر می‌گیریم، یک بار این دو را با هم می‌سنجیم و بار دیگر هر یک را با سایر مفاهیم می‌سنجیم. در این حالت، حضوراً و وجداناً در خود می‌یابیم که در سنجش اول، چیزی به نام ربط یا نسبت وجود دارد که در سنجش دوم وجود ندارد.

اثبات اینکه ربط و نسبت مفهومی، معنای حرفی است، آسان است؛ زیرا اگر این گونه نباشد، یعنی رابط مفهومی اسمی و مستقل باشد، تسلسل و محال لازم می‌آید؛ پس ناگزیر باید معنای حرفی باشد.

۱. ر.ک: یحیی انصاری شیرازی، دروس شرح نهاییه، ج ۲، ص ۳۷۱.

۲. صدرالدین شیرازی، اسفار، ج ۱، ص ۹۸.

بیان تسلسل این است که اگر رابط مفهوم حرفی نباشد بلکه مفهوم اسمی باشد، باز در قضیه نیاز به دو رابط وجود دارد؛ زیرا این سه مفهوم اسمی مفروض، از یکدیگر مستقل‌اند. پس نقل کلام می‌شود به همین دو رابط؛ اگر بگویید آنها هم مستقل‌اند، به چهار رابط نیاز خواهد بود و همین طور ادامه پیدا می‌کند.

با توجه به بیان قبل، اگر تسلسل را بپذیریم، اجزای قضیه یا مرکب تقییدی، بی‌نهایت بالفعل می‌شود و این محال و تناقض است؛ زیرا از آن جهت که بی‌نهایت است، نامحدود است، و از آن جهت که بین دو حد (موضوع و محمول) محصور است، محدود است و فرض نامحدود محدود، تناقض‌آمیز و محال است. از این مطلب، در کتب فلسفی با تعبیر «استحاله غیرمتناهی محصور بین حاصرین» یاد می‌کنند.

علاوه بر این، اگر بگوییم بی‌نهایت محصور بین حاصرین محال نباشد، باز مشکل بی‌ارتباطی مفهوم موضوع و محمول بر جای خود باقی است. پس با این بیان، مفهوم حرفی بودن رابط اثبات می‌شود.^۱

ملاک صدق قضایای خارجی

درباره اینکه ملاک انطباق قضیه بر خارج، چیست، اختلاف نظر وجود دارد: بعضی می‌گویند که برای خارجی بودن قضیه، انطباق موضوع و محمول بر خارج و اتحاد آنها در خارج کافی است؛^۲

بعضی دیگر می‌گویند که صادق بودن، مطابقت با واقع است. پس صدق قضایای خارجی به این است که تمام اجزای قضیه در خارج مطابقتی خاص به خود داشته باشد؛ یعنی افزون بر موضوع و محمول، نسبت نیز در خارج مطابقتی با خصوصیات خود دارد؛^۳ برخی نیز می‌گویند: قضایای خارجی همانند قضایای حقیقی در واقع قضایای کلی‌اند که بین موضوع و محمول آنها ربط علی وجود دارد. این ربط موجب می‌شود که برخی از مجهولات علمی توسط این قضایا حل شوند. تقسیم قضیه به خارجی، ذهنی و حقیقی، بر اثر ربط ضروری است که بین محمول با حیثیت خارجی موضوع یا حیثیت ذهنی موضوع و یا اعم از خارجی و ذهنی برقرار است.^۴ از این نظر، چنین استظهار می‌شود که صدق قضیه خارجی، وجود داشتن موضوع و محمول و ربط ضروری بین موضوع و محمول در خارج است.

۱. ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، دروس نهایی، ص ۲۶۷-۲۷۲.

۲. ر.ک: همان، ص ۲۷۶.

۳. ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی، *نهایة الحکمة*، ج ۱، ص ۱۲۴.

۴. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، *تفسیر موضوعی قرآن*، ج ۱۳، ص ۳۲۴.

نظر امام خمینی نیز موافق نظریه علامه طباطبایی است که قضیه با همه اجزا و خصوصیات خود، حکایت‌کننده خارج است.^۱ در پایان این قسمت، عبارت استاد جوادی را ذکر می‌کنیم: «برای یک مسئله در مقام اثبات، آن‌گاه می‌توان برهان اقامه کرد که در مقام ثبوت بین موضوع و محمول آن ربطی برخوردار از ضرورت، کلیت و دوام وجود داشته باشد».^۲ با این بیان، نظر علامه و امام خمینی تقویت می‌شود.

وجود رابط در ظرف خارج

کار اصلی فیلسوف این است که از واقعیات خارجی بحث کند؛ پس اگر فقط در ظرف مفاهیم بمانیم، کار فلسفی انجام نداده‌ایم؛ بلکه اصول موضوعه برای علوم دیگر اثبات کرده‌ایم. بنابراین برای اینکه در این بحث کار فلسفی انجام داده باشیم، لازم است وجود رابط را که در مفاهیم به اثبات رساندیم، در ظرف خارج از ذهن نیز اثبات کنیم. در بخش پیشین گفتیم:

۱. هلیات مرکبه خارجی صادقی داریم که هر یک از موضوع و محمول آنها بر خارج منطبق‌اند و مصداق و وجودی خاص به خود دارند؛
 ۲. در هلیات مرکبه مذکور چیزی به نام «وجود رابط» یا «نسبت» وجود دارد که از سنخ معانی حرفیه است.

دو مطلب بالا مقدمات اثبات وجود رابط در خارج‌اند. البته برای اثبات وجود رابط در خارج، مقدمه دیگری نیز احتیاج است.

۳. هلیات مرکبه خارجی صادق با تمام اجزا بر خارج منطبق‌اند؛ یعنی در این قضایا، همان‌طور که هر یک از موضوع و محمول بر خارج منطبق‌اند و مصداقی خاص به خود دارند، نسبت بین موضوع و محمول (که جزء دیگر قضیه است) نیز بر خارج منطبق است و مصداقی خاص به خود دارد.^۳

از آنجا که وجود مستقل بدیهی است، برای اثبات آن در خارج نیازی به برهان نیست؛ ولی با این سه مقدمه، وجود رابط در خارج اثبات می‌شود؛ یعنی برای اینکه قضیه خارجی صادق باشد، باید وجود رابط و نسبت هم مصداق و مطابق خارجی داشته باشد. اگر این‌طور نباشد، نمی‌توان قضیه را به صادق بودن متصف کرد.

۱. این مطلب استظهاری است از کلام آقای ربانی گلپایگانی در *ایضاح الحکمه*، ج ۱، ص ۲۴۱ به بعد.

۲. عبدالله جوادی‌آملی، *رحیق مختوم*، ج ۱، ص ۱۷۱.

۳. محمدتقی مصباح‌یزدی، *دروس نهاییه*، ص ۲۷۲.

بررسی اصل برهان

برخی محققان استدلال بر وجود رابط از طریق قضایا را صحیح ندانسته و گفته‌اند: از بحث مربوط به قضایا (که بحث منطقی است) نمی‌توان تقسیم وجود عینی را به دو قسم مستقل و رابط (که بحث فلسفی است) نتیجه گرفت؛ زیرا تنها نتیجه‌ای که از مطالب یادشده می‌توان گرفت این است که وجود محمول و موضوع در خارج مرتبط و با یکدیگر متحدند؛ ولی اینکه علاوه بر وجود آنها، وجود دیگری هم تحقق دارد که ربط‌دهنده میان آن دو باشد، از این استدلال استفاده نمی‌شود؛ مثلاً وجود عرض در خارج با وجود جوهر مرتبط و متحد است یا وجود صورت و ماده مرتبط و متحدند؛ ولی این ارتباط و اتحاد مستلزم تحقق وجود رابط میان آن دو نیست؛ بلکه همین مقدار که عرض از مراتب وجود جوهر یا ناعت آن است، برای ارتباط و اتحاد مصداق خارجی آن دو کافی است.

اشکال دیگر اینکه هر چند در عالم خارج نیز وجود به دو قسم مستقل و رابط تقسیم می‌شود، ولی مفاد رابط در این تقسیم، غیر از مفاد رابط در قضایا است؛ زیرا وجود رابط در قضایا قائم به دو طرف است؛ ولی وجود رابط در واقعیت عینی به یک طرف (علت) قائم است. بنابراین وجود رابط در باب قضایا، به وجود رابط در واقعیت عینی ربطی ندارد و نمی‌توان دومی را از طریق اولی اثبات کرد؛ بلکه اثبات وجود رابط به اصطلاح دوم در گرو بحث‌های عمیق و دقیق (علت و معلول) بر مبنای اصالت وجود است.^۱

در قسمت ملاک صدق قضایای خارجی روشن شد که بعضی از علما مثل مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم امام، ملاک صدق را وجود داشتن تمام اجزای قضیه در خارج می‌دانند. با این مبنا اشکال اول مرتفع می‌شود. همچنین اگر وجود رابط در قضایا را همان نسبت حکمیه بدانیم، اشکال مزبور بر آن وارد است؛ چه، وجود رابط در همه قضایا تحقق دارد؛ زیرا قضیه بدون نسبت حکمیه، یعنی مقایسه موضوع و محمول، تحقق نمی‌یابد؛ ولی اگر وجود رابط را امری خاص و غیر از نسبت حکمیه بدانیم، دیگر اشکال وارد نیست و ما در قسمت‌های قبلی این جدایی وجود رابط و نسبت حکمیه را تبیین کردیم.

اما در مورد اشکال دوم، قبلاً بیان شد که این نوع وجود رابط، اصطلاح خاص ملاصدراست و البته در جای خود ما نیز به این نوع از وجود رابط معتقد هستیم.

نظر شهید مطهری در این تقسیم با نظر علامه طباطبایی متفاوت است. شهید مطهری بر این عقیده است که در تقسیم معروف در باب وجود که نخست آن را به «فی نفسه» و «فی غیره»، و سپس فی نفسه را به «لنفسه» و «لغیره» تقسیم می‌کنند، صحیح نیست؛

۱. ر.ک: محمدتقی مصباح‌یزدی، تعلیقه بر نهج‌الهدی، تعلیقه شماره ۳۸.

زیرا مقسم در تقسیم اول با مقسم در تقسیم دوم متفاوت است. مقسم در تقسیم اول به وجود ذهنی و عالم مفاهیم مربوط است؛ ولی مقسم در تقسیم دوم، وجود خارجی و عالم واقع و خارج است. مفاهیم ذهنی دو دسته‌اند: مستقل یا فی نفسه (محمولی)، و رابط یا فی غیره. این تقسیم همین جا خاتمه می‌یابد.

واقعیات خارجی نیز دو دسته‌اند: مستقل یا واجب، و غیر مستقل یا ممکن.^۱ اگر در اصل استدلال بر وجود رابط به دو مقدمه نخست اکتفا کرده بودیم این اشکال وارد بود؛ ولی ما یک مقدمه دیگری را نیز بر استدلال افزودیم که با آن، پا را از عالم مفاهیم فراتر نهاده، به عالم خارج رسیدیم. در کلام خود علامه طباطبایی نیز این معلوم است؛ زیرا از صدق قضایای خارجی سخن به میان آورده‌اند.

خصوصیات وجود رابط

۱. ظرف وجود رابط، ظرف طرفین آن است. اگر طرفین وجود رابط دو وجود خارجی باشند، وجود رابط نیز وجود خارجی است و اگر طرفین آن، دو وجود ذهنی، یعنی دو مفهوم باشند، وجود رابط نیز خود امری ذهنی و از سنخ مفاهیم حرفی است. برهان بر این مطلب شامل دو مقدمه است:

مقدمه اول: تحقق وجود رابط در ظرفی غیر از ظرف طرفین خود مستلزم انفکاک رابط از طرفینش است. این مقدمه بدیهی است و احتیاج به دلیل ندارد؛ مقدمه دوم: انفکاک رابط از طرفین خود محال است.

قبلاً دانستیم که رابط، عین قیام و ارتباط به طرفین است. پس فرض رابط جدا از طرفین، فرض رابطی است که ارتباط و اتصال و قیام به طرفین ندارد؛ یعنی فرض رابطی است که رابط نیست که تناقض و محال است. پس نسبت و رابط خارجی، بین دو امر خارجی، و نسبت و رابط ذهنی، بین دو امر ذهنی محقق می‌شود و در یک کلام وجود رابط از جهت ذهنی و خارجی بودن با طرفین خود سنخیت دارد.

۲. وجود رابط سبب اتحاد طرفین است. برای اثبات این امر به دو مقدمه احتیاج است:

مقدمه اول: وجود رابط از وجود طرفین خود خارج نیست؛

مقدمه دوم: وجود رابط یک وجود واحد شخصی است.

نتیجه: با تحقق وجود رابط بین دو شیء، آن دو متحد می‌شوند.

باید توجه داشته باشیم که وقتی می‌گوییم وجود رابط با هر یک از طرفین متحد است، به این معنا نیست که وجود رابط چیزی است و اتحاد با هر یک از طرفین چیز دیگری است

۱. ر.ک: مرتضی مطهری، شرح منظومه، ج ۳، ص ۲۴-۲۶.

که بر آن عارض شده است به طوری که قبل از عروض اتحاد، رابط متحقق بود اما با هیچ‌یک از دو طرف متحد نبوده و بعد از عروض اتحاد، با هر یک از آنها متحد شده است. در خارج عارض و معروضی در کار نیست. یک واقعیت هست که به اعتباری ربط، و به اعتباری اتحاد است؛ به عبارت دیگر، یک واقعیت هست که هم حیثیت ربط، و هم حیثیت اتحاد است؛ به عبارت دقیق‌تر، وجود رابط، عین اتحاد با هر یک از طرفین است، نه اینکه با آن متحد باشد. بنابر مقدمه دوم، وجود رابط وحدت شخصی دارد؛ یعنی یک شخص رابط واحد است که بین طرفین محقق است؛ به عبارتی یک شخص واحد اتحاد است که بین طرف اول و دوم محقق شده است. پس تحقق وجود رابط بین دو طرف به معنای تحقق نوعی اتحاد بین آنها.^۳ وجود رابط ماهیت ندارد.

مقدمه اول: وجود رابط دارای مفهوم حرفی است؛

مقدمه دوم: چیزی که دارای معنای حرفی باشد، ماهیت ندارد.

نتیجه: وجود رابط ماهیت ندارد.

توضیح مقدمه اول: همان‌طور که وجود رابط در خارج غیر مستقل و عین قیام به وجودی دیگر است، مفهومی نیز که از آن در ذهن هست، مفهومی حرفی و عین قیام به دو مفهوم دیگر است.

توضیح مقدمه دوم: این مقدمه خود مبتنی بر دو مقدمه است:

الف) ماهیت، مفهومی است که در جواب «آن چیست؟» واقع می‌شود.

ب) هر مفهومی که در جواب «آن چیست؟» گفته شود، مفهومی اسمی و مستقل است.

نتیجه: هر مفهوم ماهوی، اسمی و مستقل است. عکس نقیض این قضیه این است که هیچ مفهوم حرفی و غیر مستقلی، ماهوی نیست.^۱

توجیه اشتراک لفظی وجود از نظر ملاصدرا در این مقام

ملاصدرا در بحث وجود رابطی بر این باور است که اطلاق لفظ «وجود» بر وجود محمولی و وجود رابط به نحو اشتراک لفظی است نه به صورت اشتراک معنوی؛^۲ یعنی مفهوم حرفی وجود و مفهوم اسمی آن هیچ نحو اشتراک مفهومی با یکدیگر ندارند و اشتراک آنها تنها در لفظ «وجود» است.

صدرا از یک سو بر اشتراک معنوی تأکید دارد و فصلی مستقل به آن اختصاص داده است و از سوی دیگر در این بحث به اشتراک لفظی وجود تصریح می‌کند. توجیه این دو قول برای شارحین کلام وی دشواری به بار آورده است.

۱. ر.ک: محمدتقی مصباح‌یزدی، دروس نهاییه، ص ۲۸۰-۳۰۲.

۲. صدرالدین شیرازی، اسفار، ج ۱، ص ۹۸ (الحق ان الاتفاق بینهما فی مجرد اللفظ).

نظر استاد مصباح بر این است که این دو گفته با یکدیگر در تنافی نیست؛ زیرا در جایی که به اشتراک معنوی وجود قائل شده، مقصود وی، وجود محمولی است. بحث آنجا این است که آیا مفهوم وجود که بر موضوعات مختلف حمل می‌شود در همه موارد به یک مفهوم و معنا حمل می‌شود یا نه. روشن است که وجودی که محمول واقع می‌شود، همان وجود محمولی است، نه وجود رابط. پس وجود رابط تخصصاً از بحث خارج است. اما در این بحث، کلامش ناظر به مقایسه مفهوم اسمی وجود (وجود محمولی) با مفهوم حرفی وجود (وجود رابط) است. پس در جایی که اشتراک معنوی را نفی می‌کند، مقصودش نفی اشتراک معنوی بین وجود رابط و وجود محمولی است و در جایی که اشتراک معنوی را اثبات می‌کند، مقصودش اشتراک معنوی وجود محمولی است.^۱

استاد جوادی نیز این دو کلام صدرالمتألهین را این‌گونه جمع می‌کند: قول به تباین و اشتراک لفظی برای نشان دادن شدت بُعد و دوری این دو نوع وجود است. آنچه این گفته را تأیید می‌کند تصریح صدرالمتألهین در اشتراک عرفی وجود بین دو قسم از وجود نفسی است (وجود فی نفسه و فی نفسه لغیره) که این دو قسم در برابر وجود رابط هستند؛ و شکی نیست که مصادیق این دو قسم (لنفسه و لغیره) متباین نبوده، از مراتب حقیقت مشککه خارجی هستند.^۲

جمع بندی

معانی بر دو قسم‌اند:

۱. معانی فی نفسه: معانی‌ای هستند که در مفهوم بودن مستقل‌اند و به‌تنهایی قابل تصورند؛
۲. معانی فی غیره: معانی‌ای هستند که در غیر خودشان‌اند و تا آن غیر نباشد این معانی قابل تصور نیستند.

در استدلال بر وجود رابط، ما از قضایای حملیهٔ موجه استفاده می‌کنیم؛ یعنی قضیه‌ای که مفاد آن ثبوت شیء لشیء است. در میان قضایای حملیه، از هلیات مرکبه استفاده می‌کنیم و مقصود اصلی ما آن دسته از هلیات مرکبه‌ای است که در آنها وجود محمول در خارج غیر از وجود موضوع است؛ یعنی هر یک از موضوع و محمول، وجود و واقعیتی خاص به خود دارند؛ مثل قضیهٔ «جسم سفید است». افزون بر هلیات مرکبهٔ موجه، مرکبات تقییدی اخذشده از این هلیات نیز مورد بحث مایند.

۱. ر.ک: محمدتقی مصباح‌یزدی، دروس نهاییه، ص ۲۶۳-۲۶۴.

۲. عبدالله جوادی‌آملی، رحیق مختوم، ج ۱، ص ۵۳۱.

در هلیات مرکبه موجهه که طرفین آنها در خارج، واقعیت جدای از هم دارند و نیز مرکبات تقییدی که از این قضایا اخذ می‌شوند، چیزی به نام «نسبت» وجود دارد که از سنخ معانی حرفیه است و رابط بین موضوع و محمول در ظرف ذهن است.

برای اثبات وجود رابط در قضیه هلیه مرکبه خارجیه رجوع به وجدان و علم حضوری کافی است. اثبات اینکه ربط و نسبت، مفهومی حرفی است، آسان است؛ زیرا اگر این گونه نباشد، یعنی رابط مفهومی اسمی و مستقل باشد، تسلسل محال لازم می‌آید؛ پس ناگزیر باید معنای حرفی باشد. همچنین اگر مفهومی اسمی باشد، مفهوم موضوع و مفهوم محمول با هم ارتباطی نخواهد داشت و قضیه ساخته نمی‌شود.

برای اثبات وجود رابط در خارج به مقدمه دیگری نیز احتیاج داریم و آن اینکه هلیات مرکبه خارجیه صادق، با تمام اجزا بر خارج منطبق هستند؛ یعنی در این قضایا همان طور که هر یک از موضوع و محمول بر خارج منطبق‌اند و مصداقی خاص به خود دارند، نسبت بین موضوع و محمول (که جزء دیگر قضیه است) نیز بر خارج منطبق است و مصداقی خاص به خود دارد.

در مورد ملاک صدق قضایا خارجیه، اختلاف نظر وجود دارد. اما نظریه سودمند برای استدلال ما این است که قضیه خارجیه در صورتی صادق است که تمام اجزای آن در خارج مطابقی خاص به خود داشته باشد؛ براساس این نظریه، علاوه بر موضوع و محمول، نسبت نیز در خارج مطابقی با خصوصیات خود دارد.

باید بگوییم که وجود رابط غیر از نسبت حکمیه است؛ زیرا نسبت حکمیه امری است که در موطن ذهن محقق می‌شود، ولیکن وجود رابط، حقیقتی خارجی است که بین موضوع و محمول پیوند برقرار می‌کند و وجودی جدای از آنها ندارد.

برای توجیه اشتراک لفظی وجود که ملاصدرا در این بحث آن را مطرح کرده است، می‌گوییم: قول به تباین و اشتراک لفظی برای نشان دادن شدت بُعد و دوری بین این دو نوع از وجود است.

در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که در عالم خارج از ذهن، چیزی به نام «وجود رابط» یا «نسبت» وجود دارد و همان طور که از نام آن پیداست، ربط برقرار کردن بین دو وجود مستقل از ویژگی‌های اصلی‌اش است. این وجود دارای ماهیت نیست؛ ولی در مبحث اصالت وجود، این نوع از وجود هم مورد بحث است. این نکته قابل توجه است که وجود رابط در بحث تشکیک وجودی، پایین‌ترین مرتبه وجود را داراست و با اندکی مسامحه می‌توان گفت که اصلاً چیزی به نام «وجود رابط» وجود ندارد. یکی از دلایل ماهیت نداشتن وجود رابط همین دلیل است. گفتنی است واجب‌الوجود هم چون بالاترین مرتبه وجودی را دارد، ماهیت ندارد.

منابع

۱. انصاری شیرازی، یحیی، دروس شرح منظومه، چاپ دوم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۸ش.
۲. جوادی آملی، عبدالله، ریحق مختوم، چاپ اول، إسرائ، قم، ۱۳۷۸ش.
۳. _____، تفسیر موضوعی قرآن کریم، چاپ سوم، إسرائ، قم، ۱۳۸۴ش.
۴. ربانی گلپایگانی، علی، ایضاح الحکمة، چاپ اول، اشراق، قم، ۱۳۷۴ش.
۵. شیرازی، صدر الدین محمد، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الأربعة العقلیة، چاپ اول، طلیعه النور، قم، ۱۴۲۵ق.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین، نهاية الحکمة، چاپ ششم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۱ش.
۷. مصباح یزدی، محمد تقی، تعلیقة علی نهاية الحکمة، چاپ اول، مؤسسه در راه حق، قم، ۱۴۰۸ق.
۸. _____، دروس نهاية الحکمة، چاپ سوم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۵ش.
۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، چاپ سوم، صدرا، قم، ۱۳۷۴ش.
۱۰. _____، شرح مبسوط منظومه، چاپ دوم، حکمت، قم، ۱۳۶۶ش.
۱۱. مظفر، محمد رضا، المنطق، چاپ هفتم، نشر اسلامی، قم، ۱۴۳۰ق.